

۳ کلاه گشاد اسرائیل بر سر شاه

روایتی مستند درباره سوءاستفاده صهیونیست‌ها از روابط

بارژیم پهلوی در حوزه‌های اقتصادی، امنیتی و تسلیحاتی

به‌بهانه دیدار رضا پهلوی با سران رژیم صهیونیستی

فصل نخست: همکاری‌های اقتصادی



دیدار نماینده رژیم صهیونیستی با شاه در تهران

رژیم صهیونیستی از بدو پیدایش، تلاش فراوانی برای تقویت بنیان‌های اقتصادی خود داشته‌است؛ فقدان مشروعیت و نیز، اشغال بخشی از سرزمین‌های اسلامی، باعث می‌شد که این رژیم، به رغم حمایت‌های برخی حکومت‌های وابسته مستقر در کشورهای مسلمان، بازار بزرگ و پر جمعیت این کشور را به‌صورت قاطع از دست‌دهد. با انتشار اخبار مربوط به ویکر دنژادپرستانه این رژیم در جهان، حضور صهیونیست‌ها در بازار کشورهای غیرمسلمان هم‌بامشکلاتی روبه‌رو شد. از طرفی، آن‌ها برای برنامه‌های مزورانه خود سازمان‌دهی یک ارتش مجهز که در صدد تحقق رؤیای تسلط بر سرزمین میان نیل و فرات بود، به‌پول و آورده مالی بالایی نیاز داشتند؛ آن‌گونه که بتوانند در کنار کمک‌های بلاعوض و گسترده از سوی آمریکا و صهیونیست‌های مستقر در سایر کشورها، منبعی مطمئن برای تأمین نیازهای مالی خود بیابند. بنابر این، وقتی در دهه ۱۳۴۰ش، رژیم پهلوی در های فضای اقتصادی ایران را به روی صهیونیست‌ها باز کرد، آن‌ها در ورود گسترده به این فضا تردید نکردند و بر آن که بتوانند فضا را به نفع خودشان تلطیف کنند، چنین وانمود کردند که حاضر هستند فناوری‌های نوین خود را در حوزه فعالیت‌های اقتصادی و به‌ویژه در بخش کشاورزی، در اختیار ایران بگذارند. این موضوع هنگامی جدی شد که پس از اجرای قانون اصلاحات ارضی، شاه به دنبال روشی سریع برای عبور از بحران ناشی از این اقدام غیر کارشناسی که در واقع دیکتته شده آمریکایی‌ها بود، می‌گشت. صهیونیست‌ها در این برهه تاریخی، روی دوستی شاه و علاقه حسن ارسنجانی، وزیر اصلاحات ارضی وقت، به خودشان حساب ویژه‌ای باز کردند. در یکی از اسناد لانه جاسوسی، به نقل از پرویز راثین، خبرنگار آسوشیتد پرس در تهران (مورخ ۲۸ شهریور ۱۳۴۳) آمده‌است: «ارسنجانی احتمالا سعی خواهد کرد تا تعداد مشاوران خارجی دیگر را نیز کاهش دهد، البته به جز اسرائیلی‌ها که بیشترین احترام و اعتماد را به آن‌ها دارد. ارسنجانی معتقد است که ایران باید از مدت‌ها قبل روابط دیپلماتیک قانونی با اسرائیل برقرار می‌کرد.» نتیجه این اعتماد دوستی، ورود کارشناسان کشاورزی رژیم صهیونیستی به ایران بود؛ اتفاقی که باعث شد در پی آن، موج تولیدات کشاورزی هم، از سرزمین‌های اشغالی فلسطین، به‌صورت مخفی و آشکار، وارد ایران شود. کارشناسان صهیونیست که سابقه تشکیل «کیبوتزها» (مزارع اشتراکی) را در فلسطین داشتند، وارد ایران شدند تا همان الگور برای شکل دادن به سازمان دهی اصلاحات ارضی در ایران به کار گیرند. قانون اصلاحات ارضی، اصولاً صورت‌شکل داشت و اجزای آن، مشخص و تعیین شده نبود. به این ترتیب، یک گروه از کارشناسان صهیونیست در امور «اصلاحات ارضی» و کشاورزی، به سرپرستی «آریه‌آلی‌او»، روز اول مردادماه سال ۱۳۴۰، بنا به دعوت رسمی حسن ارسنجانی به ایران آمدند و سال‌های زیادی در ایران ماندگار شدند. صهیونیست‌ها آن قدر به ارسنجانی علاقه داشتند که چندی بعد، از وی دعوت کردند برای دیدار از تأسیسات کشاورزی، به فلسطین اشغالی سفر کنند. موشه دایان که در آن زمان وزیر کشاورزی رژیم صهیونیستی بود، در جلسه‌ای مشترک با ارسنجانی، او را «مرد عمل» خواند و تصریح کرد: «با وجود روابط حساسی که میان ایران و کشورهای عربی وجود دارد و با وجود فشاری که بر شاه وارد می‌شود، کمتر ارسنجانی آشکار از زش را که برای مأموریت کارشناسان اسرائیلی قائل است، اعلام کرد و بر اثر نفوذ ارسنجانی، مطبوعات ایران هم شروع به ذکر کمک اسرائیل کردند.» با فروپاشی اقتصاد کشاورزی ایران در پی اجرای اصلاحات ارضی که کارشناسان اسرائیلی در اجرای آن سهمی اتکار ناشدنی داشتند، سیل واردات از سرزمین‌های اشغالی فلسطین به سوی ایران روان شد. علیرضا از غندی در کتاب «روابط خارجی ایران» (نشر قومس / ۱۳۹۱) می‌نویسد: «واردات ایران از اسرائیل در سال ۱۳۵۰ یک ونیم برابر واردات ایران از دو کشور ترکیه و پاکستان بود. واردات ایران از اسرائیل نه تنها چند برابر تمامی واردات از کشورهای عربی بود، بلکه از واردات ایران از همه کشورهای مسلمان جهان در آسیا و آفریقا نیز بیشتر بود و این روند تا انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی ادامه یافت.» معلوم بود که هزینه این خریدها و تلاش برای افزایش واردات، از محل فروش نفت تأمین می‌شد و در واقع ایران، آورده‌ای به عنوان زیرساخت از این خریدها نداشت. رژیم صهیونیستی که در تحریم نفتی کشورهای اسلامی گرفتار بود، از این فرصت نهایت استفاده را برد و شاه با فروش نفت به تل‌آویو در عوض وارد کردن همه‌نوع اجناس اسرائیلی به ایران، اقتصاد رژیم اشغالگر قدس را به گردش در می‌آورد و آن چ‌دست مردم ایران را می‌گرفت، هیچ بود. انباز میر رژیم صهیونیستی به نفت، با دست و دلبازی شاه تأمین می‌شد. فرد هالیدی در کتاب «دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران» محمدرضا را بزرگ‌ترین و در واقع اصلی‌ترین فروشنده نفت به رژیم تل‌آویومی داند؛ و یکر دی که به نفرت عمومی از شاه در میان مسلمانان دامن می‌زد، مردم مسلمان ایران را از رژیم پهلوی بیزار می‌کرد و منابع مالی کشور را در مسیر توسعه جاه‌طلبی‌های یک رژیم جعلی و اشغالگر قرار می‌داد. اقدامی که بازی در زمین صهیونیست‌ها بود و هیچ آورده‌ای برای ایران نداشت.



از چپ: مفیر عزری سفیر دولت جعلی اسرائیل در دیدار با فاح پهلوی



دیدار موشه دایان از ایران، دهه ۱۳۴۰

فصل دوم: همکاری‌های امنیتی



دیدار موشه دایان از ایران، دهه ۱۳۴۰

رژیم صهیونیستی به عنوان عامل اصلی بر هم زنده امنیت در منطقه غرب آسیا، نیاز مبرمی به همکاری‌های اطلاعاتی و امنیتی فرامرز داشت. طبق «دکترین اتحادپیرامونی» بن‌گوریون، رژیم تل‌آویو باید ارتباطات مؤثری در همه عرصه‌ها و به‌ویژه عرصه اطلاعات و امنیت با دو کشور ایران و ترکیه برقرار می‌کرد. حسین فر دوست در خاطراتش، از تلاش آمریکا و انگلیس برای تأمین نیاز اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی توسط ایران پرده بر می‌دارد. فر دوست اذعان دارد که در برابر اعلام نیاز ساواک – که در سال ۱۳۳۵ش تأسیس شده بود – برای گرفتن آموزش‌های اطلاعاتی، ام‌آی، ۶، و سیا مسئولان رژیم پهلوی را به موساد حواله می‌دادند. فر دوست می‌نویسد: «در دوران محمدرضا سازمان اطلاعاتی اسرائیل پس از سرویس‌های آمریکایی و انگلیس، فعال‌ترین سرویس در ایران بود و این فعالیت در سایر کشورهای منطقه و شاید جهان، بی‌نظیر بود.» همکاری‌های مشترک اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و ساواک، حول چند فعالیت مهم دور می‌زد؛ آموزش نیروها، کسب اطلاعات از مراکز هدف و طراحی و اجرای برنامه‌های مشترک. ظاهر قضیه آن بود که رژیم پهلوی در قالب اجازه فعالیت سرویس جاسوسی رژیم صهیونیستی در ایران، از آن‌ها خدمات آموزشی برای بخش اطلاعات و امنیت رژیم خود دریافت می‌کند. به نظر می‌رسید که محمدرضا هم از این معامله ارضی بودن را دست کم برای خودش مفیدی ندانست؛ اما واقعیت چیز دیگری بود. این مأموران رژیم صهیونیستی بودند که در نقاط مختلف ایران به‌تکاپوهای اطلاعاتی مشغول می‌شدند و تقریباً تری از مأموران ایرانی در فلسطین اشغالی نبود؛ دلیل این مسئله واضح است، منافع اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در کشورهای دارای مرز مشترک با ایران، بسیار زیاد بود؛ به‌ویژه هنگام گسترش ناصریسم و شکل گرفتن فضای جبهه‌متحد عربی علیه اسرائیل؛ مشکلی که ایران اصولاً با آن درگیر نبود و در صورت گرفتار شدن در چنین مخمصه‌ای، نیازی به حمایت‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی نداشت. آن‌چه شاه از اسرائیل در مقابل چنین سرویس عالی و درجه‌یکی دریافت می‌کرد، آموزش‌های اطلاعاتی پیش‌با افتاده، ابزارهای شکنجه و تربیت شکنجه‌گرانی بود که باید ناخن‌پای جوانان ایرانی را در کمینته مشترک ضدخربکاری می‌کشیدند و حتی توانایی‌های اطلاعاتی و امنیتی آن‌ها در حد اندازه‌ای نبود که بتوانند موقعیت لرزان رژیم‌شاه را در پاییز ۱۳۵۷ درک کنند. رژیم جعلی اسرائیل، ارتباطات تنگاتنگی با مقامات ارشد ساواک داشت؛ پرویز ثابتی، رئیس ادار سوم ساواک (بخش امنیت داخلی)، پیرو فرقه ضاله بهائیت و از عوامل این فرقه به حمایت رژیم شاه محسوب می‌شد. او روابط نزدیک با موساد داشت و بعد از فرار از ایران، در جریان اوج‌گیری انقلاب اسلامی، ابتدا از سرزمین‌های اشغالی فلسطین سر درآورد. کار به جایی رسید که به گواهی اسناد لانه جاسوسی، موساد در ایران به تأسیس سازمان اطلاعاتی مستقلی به نام «سرویس زیتون» دست زد که هدفش مقابله با مخالفان رژیم صهیونیستی در داخل ایران بود. صهیونیست‌ها می‌کوشیدند تا با ابزارهای مالی و اطلاعاتی خود، مانع رسیدن مخالفان شان به مقامات دولتی شوند یا حتی کسانی که به این رژیم بدبین هستند، در مسیر رفتار ترقی قرار نگیرند. این در حالی بود که ساواک، در قالب طرح «کریستال» با موساد همکاری داشت و در شرایطی که سازمان اطلاعات شاه فاقد حتی یک پایگاه اطلاعاتی در سرزمین‌های اشغالی بود، صهیونیست‌ها سه پایگاه برون مرزی در ایران داشتند که فعالیت‌های آن‌ها را در کشورهای عربی منطقه سازمان می‌داد و به هیچ‌مقام ایرانی هم جوابگو نبود؛ بی‌ارتباط نیست که عبدا… شهبازی در جلد دوم کتاب «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی: جستارهایی از تاریخ معاصر ایران» ضمن شرح روابط یعقوب نیمرودی، افسر عالی رتبه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی که قبلاً به نامش اشاره کردیم با ساواک، صراحتاً می‌نویسد: «یعقوب نیمرودی به عنوان رابط موساد با ساواک، تا سال ۱۳۴۸ نقش مهمی در تبدیل ساواک به زانده سازمان اطلاعاتی اسرائیل [در منطقه] ایفا کرد.» نام بردن از ساواک، به عنوان «زانده موساد» به خوبی توضیح دهنده چگونگی روابط اطلاعاتی و امنیتی رژیم پهلوی با رژیم صهیونیستی است. شهبازی، ضمن تحلیل و ارائه مستندات خود، اصولاً کار سرویس‌های اطلاعاتی موساد را فراتر از جمع‌آوری اطلاعات می‌داند و معتقد است که اعضای این شبکه‌های اطلاعاتی، بعد از پایان مأموریت خود، به چپالگران ثروت‌های اقتصادی ایران نیز، تبدیل می‌شدند: «[بررسی فعالیت‌های] چهره‌های برجسته اطلاعاتی غرب در ایران، مانند سرشاپور ریپورتر و یعقوب نیمرودی، نشان می‌دهد؛ جاسوسانی که دست‌مایه اطلاعاتی خود را به ذخیره فعالیت‌های مالی بدل ساختند و به عنوان دلالتی بی‌رقیب، سال‌های سال بر حیات اقتصادی میهن ما چنگ انداختند،» چگونه عمل می‌کردند. [مجموع این اطلاعات آشکار می‌کند که همکاری‌های اطلاعاتی میان رژیم پهلوی و صهیونیست‌ها، نه از جنس تعامل‌های اطلاعاتی کشور‌های مختلف، بلکه نوعی وابستگی تمام عیار بوده‌است؛ و یکر دی که مفهوم «متحدر اهریدی» را به سطح «نوگر اهریدی» اتزل می‌دهد و در واقع قبول کردن نوعی تحقیر بی‌شرمانه است.



بنای سفارت رژیم صهیونیستی پس از تخلیه در جریان انقلاب اسلامی – ۱۳۵۷

تاریخ

جواد نوآیان رودسری – سفر اخیر رضا پهلوی به تل‌آویو موجی از انتقادات گسترده را علیه وی و سلطنت‌طلبان برانگیخته و اسباب رسوایی بیشتر او را فراهم کرده‌است. مسافرت به سرزمین‌های اشغالی فلسطین، آن‌هم در شرایطی که منطقه غرب آسیا، بعد از مدت‌ها، شاهد هم‌سویی نسبی دولت‌ها در محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی در فلسطین و به‌ویژه، اهانت به مسجدالاقصی است، یادآور همان سیاست بلاهت‌آمیزی است که محمدرضا پهلوی در ارتباط با رژیم صهیونیستی پیش گرفت. موضوعی که نه‌فقط در حوزه سیاست خارجی و منطقه‌ای، بلکه در عرصه‌های گوناگون داخلی، اعم از اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و… خسارت‌های سنگینی به ایران وارد کرد. نکته مهمی که در سایه روشن روابط شاه با رژیم اشغالگر قدس قابل مطالعه و برررسی است، بازی همیشگی رژیم پهلوی در زمین صهیونیست‌هاست؛ این که محمدرضا در فرایند ارتباط با رژیم صهیونیستی، دقیقاً در چارچوب منافع این رژیم و بازی در فضای «دکترین اتحادپیرامونی» بن‌گوریون به ایفای نقش می‌پرداخت. شاه امکاناتی را در اختیار صهیونیست‌ها می‌گذاشت که حتی نزدیک‌ترین متحدان این رژیم نیز، در واگذاری آن هاتر دید داشتند. در غوغای ناصریسم و خیز گسترده عربی علیه رژیم صهیونیستی، کمک‌های نفتی محمدرضا، صهیونیست‌ها را از یک بحران حاد و جدی نجات داد. او در حوزه امنیتی، ایران را به پایگاه فعالیت‌های گسترده اطلاعاتی رژیم صهیونیستی تبدیل کرد؛ پایگاهی که با مدیریت افسران ورزیده این رژیم، مانند یعقوب نیمرودی، نقش مهمی در کنترل فضای مخاصمات میان رژیم اشغالگر قدس و جهان عرب داشت، اما بازی درگی رژیم پهلوی در این مناسبات زمانی آشکار می‌شود که در یابیم صهیونیست‌ها در برابر این همه حمایت مادی و معنوی که از شاه دریافت کردند، به او چه دادند؟ آیا بازی اسرائیل با شاه یک بازی دوطرفه بود یا نه، این محمدرضا بود که در نقش عروسک خیمه‌شب‌بازی، گرما بخش بزم اشغالگران قدس می‌شد؟ این ارزیابی می‌تواند مفهوم «متحدر اهریدی» را که معمولاً سلطنت‌طلبان و رسانه‌های وابسته به آن‌ها، برای ارتباط میان شاه و رژیم صهیونیستی به کار می‌گیرند، به شدت زیر سوال ببرد. برای درک بهتر این بحث، ماسه فصل مهم از روابط میان محمدرضا پهلوی و رژیم اسرائیل را بررسی و ارزیابی می‌کنیم.

فصل سوم: همکاری‌های تسلیحاتی



از چپ: سپهبد پالیزیان، یعقوب نیمرودی و آریل شارون در سفر هیئت رژیم پهلوی به فلسطین اشغالی

همکاری‌های تسلیحاتی شاه و رژیم صهیونیستی، آشکارترین نماد برجسته همان چیزی است که در این نوشتار با عنوان «کلاه گشاد صهیونیست‌ها بر سر شاه» بررسی می‌شد. شاید بررسی ماجرای پروژه «شکوفه» که یک افتضاح تاریخی را برای رژیم پهلوی در پی داشت، بتواند دورنمای این همکاری‌ها را پیش‌روی مخاطب قرار دهد و عیار «متحدر اهریدی» بودن رژیم صهیونیستی را در قبال شاه، ارزیابی کند. پس از بالا رفتن قیمت نفت و افزایش درآمد کشور، در دهه ۱۳۵۰ که به قول شاه، برای ایران مازاد بودجه ایجاد کرده بود، وی آگاهانه یا ناآگاهانه، بازیگر صحنه‌ای شد که لای‌های قدرتمند آمریکایی و صهیونیستی بازیگر دان آن بودند. کودتای عراق و تبعید عبدالسلام عارف، در اواسط دهه ۱۳۵۰، این بار بهانه را به دست رژیم صهیونیستی داد تا برای چپاول منابع مالی ایران خیز بردارد. شاه از وقایع عراق بیناک بود و می‌خواست به لحاظ تسلیحاتی، بیش از گذشته تقویت شود. پیشنهاد اجرای پروژه ساخت موشک‌های کوتاه‌برد در ایران، موسوم به پروژه «شکوفه»، بزرگ‌ترین اقدام رژیم صهیونیستی در این راستا محسوب می‌شد. هدف از پروژه «شکوفه»، دستیابی به فناوری‌های نوین موشکی با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای بود؛ موشک‌هایی که بتواند بردی حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ کیلومتر داشته باشد و از قابلیت دقت بالایی در اصابت به هدف‌ها، برخوردار باشد. رژیم صهیونیستی، با وجود حمایت‌های مالی و تسلیحاتی گسترده آمریکا، هزینه و فضای لازم را برای انجام این پروژه در اختیار نداشت. به این ترتیب، آن‌ها با اطلاع آمریکایی‌ها، مذاکرات محرمانه‌ای را با شاه و مسئولان رژیم وی، انجام دادند و قرار بر این شد که پروژه به‌صورت محرمانه آغاز شود و آمریکایی‌ها هم از آن بی‌خبر باشند؛ پروژه «شکوفه»، ارزشی معادل یک میلیارد دلار داشت، یعنی چیزی حدود یک بیستم کل بودجه ایران در آن سال‌ها. شاه به تدریج تصور مقامات عالی‌رتبه صهیونیست‌ها را در دست می‌گرفت و با وجود اینکه رژیم صهیونیست با فقط باید کارشناسان شان را به ایران می‌آوردند و در جایی نزدیک سیرجان که برای این منظور در نظر گرفته شده بود، درایند تحقیقات مربوط به ساخت موشک را دنبال می‌کردند. آن‌ها حق داشتند در منطقه مذکور، آزمایش‌های موشکی انجام دهند و ظاهر اینکه دوباره هم آزمایش را انجام دادند که اعلام شد موفقیت‌آمیز نبود؛ است! اما این پروژه، یک روی دیگر هم داشت. اصلاً قرار نبود فناوری پیشرفته‌ای در اختیار ایران قرار بگیرد؛ آن‌چه به نام فناوری پیشرفته عرضه می‌شد و شاه را غرور کاذب مبتلا می‌کرد، در واقع فناوری‌های از رده خارج می‌بود که مراکز تحقیقات نظامی پیشرفته موشکی در سراسر دنیا، آن را کنار گذاشته بودند. در عوض، صهیونیست‌ها، آن‌چرامی یافتند و می‌آموذند، به سرزمین‌های اشغالی می‌فرستادند تا بر اساس آن، مدرن‌ترین موشک‌های باالستیک کوتاه‌برد ساخته و در آغاهه نظامی جنوب فلسطین اشغالی، انبار شود. به این ترتیب، پروژه «شکوفه»، با صرف یک بیستم بودجه سالانه کشور، آورده‌ای برای ارتش ایران نداشت، اما صهیونیست‌ها به شدت از آن سود کردند. هم‌زمان با اوج گرفتن انقلاب اسلامی در ایران، صهیونیست‌ها که شرایط را برای ادامه فعالیت مناسب نمی‌دیدند، به تدریج تصور مقامات عالی‌رتبه صهیونیست‌ها را در دست می‌گرفت و با وجود اینکه رژیم صهیونیست با فقط باید کارشناسان شان را به ایران می‌آوردند و در جایی نزدیک سیرجان که برای این منظور در نظر گرفته شده بود، درایند تحقیقات مربوط به ساخت موشک را دنبال می‌کردند. آن‌ها حق داشتند در منطقه مذکور، آزمایش‌های موشکی انجام دهند و ظاهر اینکه دوباره هم آزمایش را انجام دادند که اعلام شد موفقیت‌آمیز نبود؛ است! اما این پروژه، یک روی دیگر هم داشت. اصلاً قرار نبود فناوری پیشرفته‌ای در اختیار ایران قرار بگیرد؛ آن‌چه به نام فناوری پیشرفته عرضه می‌شد و شاه را غرور کاذب مبتلا می‌کرد، در واقع فناوری‌های از رده خارج می‌بود که مراکز تحقیقات نظامی پیشرفته موشکی در سراسر دنیا، آن را کنار گذاشته بودند. در عوض، صهیونیست‌ها، آن‌چرامی یافتند و می‌آموذند، به سرزمین‌های اشغالی می‌فرستادند تا بر اساس آن، مدرن‌ترین موشک‌های باالستیک کوتاه‌برد ساخته و در آغاهه نظامی جنوب فلسطین اشغالی، انبار شود. به این ترتیب، پروژه «شکوفه»، با صرف یک بیستم بودجه سالانه کشور، آورده‌ای برای ارتش ایران نداشت، اما صهیونیست‌ها به شدت از آن سود کردند. هم‌زمان با اوج گرفتن انقلاب اسلامی در ایران، صهیونیست‌ها که شرایط را برای ادامه فعالیت مناسب نمی‌دیدند، به تدریج تصور مقامات عالی‌رتبه صهیونیست‌ها را در دست می‌گرفت و با وجود اینکه رژیم صهیونیست با فقط باید کارشناسان شان را به ایران می‌آوردند و در جایی نزدیک سیرجان که برای این منظور در نظر گرفته شده بود، درایند تحقیقات مربوط به ساخت موشک را دنبال می‌کردند. آن‌ها حق داشتند در منطقه مذکور، آزمایش‌های موشکی انجام دهند و ظاهر اینکه دوباره هم آزمایش را انجام دادند که اعلام شد موفقیت‌آمیز نبود؛ است! اما این پروژه، یک روی دیگر هم داشت. اصلاً قرار نبود فناوری پیشرفته‌ای در اختیار ایران قرار بگیرد؛ آن‌چه به نام فناوری پیشرفته عرضه می‌شد و شاه را غرور کاذب مبتلا می‌کرد، در واقع فناوری‌های از رده خارج می‌بود که مراکز تحقیقات نظامی پیشرفته موشکی در سراسر دنیا، آن را کنار گذاشته بودند. در عوض، صهیونیست‌ها، آن‌چرامی یافتند و می‌آموذند، به سرزمین‌های اشغالی می‌فرستادند تا بر اساس آن، مدرن‌ترین موشک‌های باالستیک کوتاه‌برد ساخته و در آغاهه نظامی جنوب فلسطین اشغالی، انبار شود. به این ترتیب، پروژه «شکوفه»، با صرف یک بیستم بودجه سالانه کشور، آورده‌ای برای ارتش ایران نداشت، اما صهیونیست‌ها به شدت از آن سود کردند. هم‌زمان با اوج گرفتن انقلاب اسلامی در ایران، صهیونیست‌ها که شرایط را برای ادامه فعالیت مناسب نمی‌دیدند، به تدریج تصور مقامات عالی‌رتبه صهیونیست‌ها را در دست می‌گرفت و با وجود اینکه رژیم صهیونیست با فقط باید کارشناسان شان را به ایران می‌آوردند و در جایی نزدیک سیرجان که برای این منظور در نظر گرفته شده بود، درایند تحقیقات مربوط به ساخت موشک را دنبال می‌کردند. آن‌ها حق داشتند در منطقه مذکور، آزمایش‌های موشکی انجام دهند و ظاهر اینکه دوباره هم آزمایش را انجام دادند که اعلام شد موفقیت‌آمیز نبود؛ است! اما این پروژه، یک روی دیگر هم داشت. اصلاً قرار نبود فناوری پیشرفته‌ای در اختیار ایران قرار بگیرد؛ آن‌چه به نام فناوری پیشرفته عرضه می‌شد و شاه را غرور کاذب مبتلا می‌کرد، در واقع فناوری‌های از رده خارج می‌بود که مراکز تحقیقات نظامی پیشرفته موشکی در سراسر دنیا، آن را کنار گذاشته بودند. در عوض، صهیونیست‌ها، آن‌چرامی یافتند و می‌آموذند، به سرزمین‌های اشغالی می‌فرستادند تا بر اساس آن، مدرن‌ترین موشک‌های باالستیک کوتاه‌برد ساخته و در آغاهه نظامی جنوب فلسطین اشغالی، انبار شود. به این ترتیب، پروژه «شکوفه»، با صرف یک بیستم بودجه سالانه کشور، آورده‌ای برای ارتش ایران نداشت، اما صهیونیست‌ها به شدت از آن سود کردند. هم‌زمان با اوج گرفتن انقلاب اسلامی در ایران، صهیونیست‌ها که شرایط را برای ادامه فعالیت مناسب نمی‌دیدند، به تدریج تصور مقامات عالی‌رتبه صهیونیست‌ها را در دست می‌گرفت و با وجود اینکه رژیم صهیونیست با فقط باید کارشناسان شان را به ایران می‌آوردند و در جایی نزدیک سیرجان که برای این منظور در نظر گرفته شده بود، درایند تحقیقات مربوط به ساخت موشک را دنبال می‌کردند. آن‌ها حق داشتند در منطقه مذکور، آزمایش‌های موشکی انجام دهند و ظاهر اینکه دوباره هم آزمایش را انجام دادند که اعلام شد موفقیت‌آمیز نبود؛ است! اما این پروژه، یک روی دیگر هم داشت. اصلاً قرار نبود فناوری پیشرفته‌ای در اختیار ایران قرار بگیرد؛ آن‌چه به نام فناوری پیشرفته عرضه می‌شد و شاه را غرور کاذب مبتلا می‌کرد، در واقع فناوری‌های از رده خارج می‌بود که مراکز تحقیقات نظامی پیشرفته موشکی در سراسر دنیا، آن را کنار گذاشته بودند. در عوض، صهیونیست‌ها، آن‌چرامی یافتند و می‌آموذند، به سرزمین‌های اشغالی می‌فرستادند تا بر اساس آن، مدرن‌ترین موشک‌های باالستیک کوتاه‌برد ساخته و در آغاهه نظامی جنوب فلسطین اشغالی، انبار شود. به این ترتیب، پروژه «شکوفه»، با صرف یک بیستم بودجه سالانه کشور، آورده‌ای برای ارتش ایران نداشت، اما صهیونیست‌ها به شدت از آن سود کردند. هم‌زمان با اوج گرفتن انقلاب اسلامی در ایران، صهیونیست‌ها که شرایط را برای ادامه فعالیت مناسب نمی‌دیدند، به تدریج تصور مقامات عالی‌رتبه صهیونیست‌ها را در دست می‌گرفت و با وجود اینکه رژیم صهیونیست با فقط باید کارشناسان شان را به ایران می‌آوردند و در جایی نزدیک سیرجان که برای این منظور در نظر گرفته شده بود، درایند تحقیقات مربوط به ساخت موشک را دنبال می‌کردند. آن‌ها حق داشتند در منطقه مذکور، آزمایش‌های موشکی انجام دهند و ظاهر اینکه دوباره هم آزمایش را انجام دادند که اعلام شد موفقیت‌آمیز نبود؛ است! اما این پروژه، یک روی دیگر هم داشت. اصلاً قرار نبود فناوری پیشرفته‌ای در اختیار ایران قرار بگیرد؛ آن‌چه به نام فناوری پیشرفته عرضه می‌شد و شاه را غرور کاذب مبتلا می‌کرد، در واقع فناوری‌های از رده خارج می‌بود که مراکز تحقیقات نظامی پیشرفته موشکی در سراسر دنیا، آن را کنار گذاشته بودند. در عوض، صهیونیست‌ها، آن‌چرامی یافتند و می‌آموذند، به سرزمین‌های اشغالی می‌فرستادند تا بر اساس آن، مدرن‌ترین موشک‌های باالستیک کوتاه‌برد ساخته و در آغاهه نظامی جنوب فلسطین اشغالی، انبار شود. به این ترتیب، پروژه «شکوفه»، با صرف یک بیستم بودجه سالانه کشور، آورده‌ای برای ارتش ایران نداشت، اما صهیونیست‌ها به شدت از آن سود کردند. هم‌زمان با اوج گرفتن انقلاب اسلامی در ایران، صهیونیست‌ها که شرایط را برای ادامه فعالیت مناسب نمی‌دیدند، به تدریج تصور مقامات عالی‌رتبه صهیونیست‌ها را در دست می‌گرفت و با وجود اینکه رژیم صهیونیست با فقط باید کارشناسان شان را به ایران می‌آوردند و در جایی نزدیک سیرجان که برای این منظور در نظر گرفته شده بود، درایند تحقیقات مربوط به ساخت موشک را دنبال می‌کردند. آن‌ها حق داشتند در منطقه مذکور، آزمایش‌های موشکی انجام دهند و ظاهر اینکه دوباره هم آزمایش را انجام دادند که اعلام شد موفقیت‌آمیز نبود؛ است! اما این پروژه، یک روی دیگر هم داشت. اصلاً قرار نبود فناوری پیشرفته‌ای در اختیار ایران قرار بگیرد؛ آن‌چه به نام فناوری پیشرفته عرضه می‌شد و شاه را غرور کاذب مبتلا می‌کرد، در واقع فناوری‌های از رده خارج می‌بود که مراکز تحقیقات نظامی پیشرفته موشکی در سراسر دنیا، آن را کنار گذاشته بودند. در عوض، صهیونیست‌ها، آن‌چرامی یافتند و می‌آموذند، به سرزمین‌های اشغالی می‌فرستادند تا بر اساس آن، مدرن‌ترین موشک‌های باالستیک کوتاه‌برد ساخته و در آغاهه نظامی جنوب فلسطین اشغالی، انبار شود. به این ترتیب، پروژه «شکوفه»، با صرف یک بیستم بودجه سالانه کشور، آورده‌ای برای ارتش ایران نداشت، اما صهیونیست‌ها به شدت از آن سود کردند. هم‌زمان با اوج گرفتن انقلاب اسلامی در ایران، صهیونیست‌ها که شرایط را برای ادامه فعالیت مناسب نمی‌دیدند، به تدریج تصور مقامات عالی‌رتبه صهیونیست‌ها را در دست می‌گرفت و با وجود اینکه رژیم صهیونیست با فقط باید کارشناسان شان را به ایران می‌آوردند و در جایی نزدیک سیرجان که برای این منظور در نظر گرفته شده بود، درایند تحقیقات مربوط به ساخت موشک را دنبال می‌کردند. آن‌ها حق داشتند در منطقه مذکور، آزمایش‌های موشکی انجام دهند و ظاهر اینکه دوباره هم آزمایش را انجام دادند که اعلام شد موفقیت‌آمیز نبود؛ است! اما این پروژه، یک روی دیگر هم داشت. اصلاً قرار نبود فناوری پیشرفته‌ای در اختیار ایران قرار بگیرد؛ آن‌چه به نام فناوری پیشرفته عرضه می‌شد و شاه را غرور کاذب مبتلا می‌کرد، در واقع فناوری‌های از رده خارج می‌بود که مراکز تحقیقات نظامی پیشرفته موشکی در سراسر دنیا، آن را کنار گذاشته بودند. در عوض، صهیونیست‌ها، آن‌چرامی یافتند و می‌آموذند، به سرزمین‌های اشغالی می‌فرستادند تا بر اساس آن، مدرن‌ترین موشک‌های باالستیک کوتاه‌برد ساخته و در آغاهه نظامی جنوب فلسطین اشغالی، انبار شود. به این ترتیب، پروژه «شکوفه»، با صرف یک بیستم بودجه سالانه کشور، آورده‌ای برای ارتش ایران نداشت، اما صهیونیست‌ها به شدت از آن سود کردند. هم‌زمان با اوج گرفتن انقلاب اسلامی در ایران، صهیونیست‌ها که شرایط را برای ادامه فعالیت مناسب نمی‌دیدند، به تدریج تصور مقامات عالی‌رتبه صهیونیست‌ها را در دست می‌گرفت و با وجود اینکه رژیم صهیونیست با فقط باید کارشناسان شان را به ایران می‌آوردند و در جایی نزدیک سیرجان که برای این منظور در نظر گرفته شده بود، درایند تحقیقات مربوط به ساخت موشک را دنبال می‌کردند. آن‌ها حق داشتند در منطقه مذکور، آزمایش‌های موشکی انجام دهند و ظاهر اینکه دوباره هم آزمایش را انجام دادند که اعلام شد موفقیت‌آمیز نبود؛ است! اما این پروژه، یک روی دیگر هم داشت. اصلاً قرار نبود فناوری پیشرفته‌ای در اختیار ایران قرار بگیرد؛ آن‌چه به نام فناوری پیشرفته عرضه می‌شد و شاه را غرور کاذب مبتلا می‌کرد، در واقع فناوری‌های از رده خارج می‌بود که مراکز تحقیقات نظامی پیشرفته موشکی در سراسر دنیا، آن را کنار گذاشته بودند. در عوض، صهیونیست‌ها، آن‌چرامی یافتند و می‌آموذند، به سرزمین‌های اشغالی می‌فرستادند تا بر اساس آن، مدرن‌ترین موشک‌های باالستیک کوتاه‌برد ساخته و در آغاهه نظامی جنوب فلسطین اشغالی، انبار شود. به این ترتیب، پروژه «شکوفه»، با صرف یک بیستم بودجه سالانه کشور، آورده‌ای برای ارتش ایران نداشت، اما صهیونیست‌ها به شدت از آن سود کردند. هم‌زمان با اوج گرفتن انقلاب اسلامی در ایران، صهیونیست‌ها که شرایط را برای ادامه فعالیت مناسب نمی‌دیدند، به تدریج تصور مقامات عالی‌رتبه صهیونیست‌ها را در دست می‌گرفت و با وجود اینکه رژیم صهیونیست با فقط باید کارشناسان شان را به ایران می‌آوردند و در جایی نزدیک سیرجان که برای این منظور در نظر گرفته شده بود، درایند تحقیقات مربوط به ساخت موشک را دنبال می‌کردند. آن‌ها حق داشتند در منطقه مذکور، آزمایش‌های موشکی انجام دهند و ظاهر اینکه دوباره هم آزمایش را انجام دادند که اعلام شد موفقیت‌آمیز نبود؛ است! اما این پروژه، یک روی دیگر هم داشت. اصلاً قرار نبود فناوری پیشرفته‌ای در اختیار ایران قرار بگیرد؛ آن‌چه به نام فناوری پیشرفته عرضه می‌شد و شاه را غرور کاذب مبتلا می‌کرد، در واقع فناوری‌های از رده خارج می‌بود که مراکز تحقیقات نظامی پیشرفته موشکی در سراسر دنیا، آن را کنار گذاشته بودند. در عوض، صهیونیست‌ها، آن‌چرامی یافتند و می‌آموذند، به سرزمین‌های اشغالی می‌فرستادند تا بر اساس آن، مدرن‌ترین موشک‌های باالستیک کوتاه‌برد ساخته و در آغاهه نظامی جنوب فلسطین اشغالی، انبار شود. به این ترتیب، پروژه «شکوفه»، با صرف یک بیستم بودجه سالانه کشور، آورده‌ای برای ارتش ایران نداشت، اما صهیونیست‌ها به شدت از آن سود کردند. هم‌زمان با اوج گرفتن انقلاب اسلامی در ایران، صهیونیست‌ها که شرایط را برای ادامه فعالیت مناسب نمی‌دیدند، به تدریج تصور مقامات عالی‌رتبه صهیونیست‌ها را در دست می‌گرفت و با وجود اینکه رژیم صهیونیست با فقط باید کارشناسان شان را به ایران می‌آوردند و در جایی نزدیک سیرجان که برای این منظور در نظر گرفته شده بود، درایند تحقیقات مربوط به ساخت موشک را دنبال می‌کردند. آن‌ها حق داشتند در منطقه مذکور، آزمایش‌های موشکی انجام دهند و ظاهر اینکه دوباره هم آزمایش را انجام دادند که اعلام شد موفقیت‌آمیز نبود؛ است! اما این پروژه، یک روی دیگر هم داشت. اصلاً قرار نبود فناوری پیشرفته‌ای در اختیار ایران قرار بگیرد؛ آن‌چه به نام فناوری پیشرفته عرضه می‌شد و شاه را غرور کاذب مبتلا می‌کرد، در واقع فناوری‌های از رده خارج می‌بود که مراکز تحقیقات نظامی پیشرفته موشکی در سراسر دنیا، آن را کنار گذاشته بودند. در عوض، صهیونیست‌ها، آن‌چرامی یافتند و می‌آموذند، به سرزمین‌های اشغالی می‌فرستادند تا بر اساس آن، مدرن‌ترین موشک‌های باالستیک کوتاه‌برد ساخته و در آغاهه نظامی جنوب فلسطین اشغالی، انبار شود. به این ترتیب، پروژه «شکوفه»، با صرف یک بیستم بودجه سالانه کشور، آورده‌ای برای ارتش ایران نداشت، اما صهیونیست‌ها به شدت از آن سود کردند. هم‌زمان با اوج گرفتن انقلاب اسلامی در ایران، صهیونیست‌ها که شرایط را برای ادامه فعالیت مناسب نمی‌دیدند، به تدریج تصور مقامات عالی‌رتبه صهیونیست‌ها را در دست می‌گرفت و با وجود اینکه رژیم صهیونیست با فقط باید کارشناسان شان را به ایران می‌آوردند و در جایی نزدیک سیرجان که برای این منظور در نظر گرفته شده بود، درایند تحقیقات مربوط به ساخت موشک را دنبال می‌کردند. آن‌ها حق داشتند در منطقه مذکور، آزمایش‌های موشکی انجام دهند و ظاهر اینکه دوباره هم آزمایش را انجام دادند که اعلام شد موفقیت‌آمیز نبود؛ است! اما این پروژه، یک روی دیگر هم داشت. اصلاً قرار نبود فناوری پیشرفته‌ای در اختیار ایران قرار بگیرد؛ آن‌چه به نام فناوری پیشرفته عرضه می‌شد و شاه را غرور کاذب مبتلا می‌کرد، در واقع فناوری‌های از رده خارج می‌بود که مراکز تحقیقات نظامی پیشرفته موشکی در سراسر دنیا، آن را کنار گذاشته بودند. در عوض، صهیونیست‌ها، آن‌چرامی یافتند و می‌آموذند، به سرزمین‌های اشغالی می‌فرستادند تا بر اساس آن، مدرن‌ترین موشک‌های باالستیک کوتاه‌برد ساخته و در آغاهه نظامی جنوب فلسطین اشغالی، انبار شود. به این ترتیب، پروژه «شکوفه»، با صرف یک بیستم بودجه سالانه کشور، آورده‌ای برای ارتش ایران نداشت، اما صهیونیست‌ها به شدت از آن سود کردند. هم‌زمان با اوج گرفتن انقلاب اسلامی در ایران، صهیونیست‌ها که شرایط را برای ادامه فعالیت مناسب نمی‌دیدند، به تدریج تصور مقامات عالی‌رتبه صهیونیست‌ها را در دست می‌گرفت و با وجود اینکه رژیم صهیونیست با فقط باید کارشناسان شان را به ایران می‌آوردند و در جایی نزدیک سیرجان که برای این منظور در نظر گرفته شده بود، درایند تحقیقات مربوط به ساخت موشک را دنبال می‌کردند. آن‌ها حق داشتند در منطقه مذکور، آزمایش‌های موشکی انجام دهند و ظاهر اینکه دوباره هم آزمایش را انجام دادند که اعلام شد موفقیت‌آمیز نبود؛ است! اما این پروژه، یک روی دیگر هم داشت. اصلاً قرار نبود فناوری پیشرفته‌ای در اختیار ایران قرار بگیرد؛ آن‌چه به نام فناوری پیشرفته عرضه می‌شد و شاه را غرور کاذب مبتلا می‌کرد، در واقع فناوری‌های از رده خارج می‌بود که مراکز تحقیقات نظامی پیشرفته موشکی در سراسر دنیا، آن را کنار گذاشته بودند. در عوض، صهیونیست‌ها، آن‌چرامی یافتند و می‌آموذند، به سرزمین‌های اشغالی می‌فرستادند تا بر اساس آن، مدرن‌ترین موشک‌های باالستیک کوتاه‌برد ساخته و در آغاهه نظامی جنوب فلسطین اشغالی، انبار شود. به این ترتیب، پروژه «شکوفه»، با صرف یک بیستم بودجه سالانه کشور، آورده‌ای برای ارتش ایران نداشت، اما صهیونیست‌ها به شدت از آن سود کردند. هم‌زمان با اوج گرفتن انقلاب اسلامی در ایران، صهیونیست‌ها که شرایط را برای ادامه فعالیت مناسب نمی‌دیدند، به تدریج تصور مقامات عالی‌رتبه صهیونیست‌ها را در دست می‌گرفت و با وجود اینکه رژیم صهیونیست با فقط باید کارشناسان شان را به ایران می‌آوردند و در جایی نزدیک سیرجان که برای این منظور در نظر گرفته شده بود، درایند تحقیقات مربوط به ساخت موشک را دنبال می‌کردند. آن‌ها حق داشتند در منطقه مذکور، آزمایش‌های موشکی انجام دهند و ظاهر اینکه دوباره هم آزمایش را انجام دادند که اعلام شد موفقیت‌آمیز نبود؛ است! اما این پروژه، یک روی دیگر هم داشت. اصلاً قرار نبود فناوری پیشرفته‌ای در اختیار ایران قرار بگیرد؛ آن‌چه به نام فناوری پیشرفته عرضه می‌شد و شاه را غرور کاذب مبتلا می‌کرد، در واقع فناوری‌های از رده خارج می‌بود که مراکز تحقیقات نظامی پیشرفته موشکی در سراسر دنیا، آن را کنار گذاشته بودند. در عوض، صهیونیست‌ها، آن‌چرامی یافتند و می‌آموذند، به سرزمین‌های اشغالی می‌فرستادند تا بر اساس آن، مدرن‌ترین موشک‌های باالستیک کوتاه‌برد ساخته و در آغاهه نظامی جنوب فلسطین اشغالی، انبار شود. به این ترتیب، پروژه «شکوفه»، با صرف یک بیستم بودجه سالانه کشور، آورده‌ای برای ارتش ایران نداشت، اما صهیونیست‌ها به شدت از آن سود کردند. هم‌زمان با اوج گرفتن انقلاب اسلامی در ایران، صهیونیست‌ها که شرایط را برای ادامه فعالیت مناسب نمی‌دیدند، به تدریج تصور مقامات عالی‌رتبه صهیونیست‌ها را در دست می‌گرفت و با وجود اینکه رژیم صهیونیست با فقط باید کارشناسان شان را به ایران می‌آوردند و در جایی نزدیک سیرجان که برای این منظور در نظر گرفته شده بود، درایند تحقیقات مربوط به ساخت موشک را دنبال می‌کردند. آن‌ها حق داشتند در منطقه مذکور، آزمایش‌های موشکی انجام دهند و ظاهر اینکه دوباره هم آزمایش را انجام دادند که اعلام شد موفقیت‌آمیز نبود؛ است! اما این پروژه، یک روی دیگر هم داشت. اصلاً قرار نبود فناوری پیشرفته‌ای در اختیار ایران قرار بگیرد؛ آن‌چه به نام فناوری پیشرفته عرضه می‌شد و شاه را غرور کاذب مبتلا می‌کرد، در واقع فناوری‌های از رده خارج می‌بود که مراکز تحقیقات نظامی پیشرفته موشکی در سراسر دنیا، آن را کنار گذاشته بودند. در عوض، صهیونیست‌ها، آن‌چرامی یافتند و می‌آموذند، به سرزمین‌های اشغالی می‌فرستادند تا بر اساس آن، مدرن‌ترین موشک‌های باالستیک کوتاه‌برد ساخته و در آغاهه نظامی جنوب فلسطین اشغالی، انبار شود. به این ترتیب، پروژه «شکوفه»، با صرف یک بیستم بودجه سالانه کشور، آورده‌ای برای ارتش ایران نداشت، اما صهیونیست‌ها به شدت از آن سود کردند. هم‌زمان با اوج گرفتن انقلاب اسلامی در ایران، صهیونیست‌ها که شرایط را برای ادامه فعالیت مناسب نمی‌دیدند، به تدریج تصور مقامات عالی‌رتبه صهیونیست‌ها را در دست می‌گرفت و با وجود اینکه رژیم صهیونیست با فقط باید کارشناسان شان را به ایران می‌آوردند و در جایی نزدیک سیرجان که برای این منظور در نظر گرفته شده بود، درایند تحقیقات مربوط به ساخت موشک را دنبال می‌کردند. آن‌ها حق داشتند در منطقه مذکور، آزمایش‌های موشکی انجام دهند و ظاهر اینکه دوباره هم آزمایش را انجام دادند که اعلام شد موفقیت‌آمیز نبود؛ است! اما این پروژه، یک روی دیگر هم داشت. اصلاً قرار نبود فناوری پیشرفته‌ای در اختیار ایران قرار بگیرد؛ آن‌چه به نام فناوری پیشرفته عرضه می‌شد و شاه را غرور کاذب مبتلا می‌کرد، در واقع فناوری‌های از رده خارج می‌بود که مراکز تحقیقات نظامی پیشرفته موشکی در سراسر دنیا، آن را کنار گذاشته بودند. در عوض، صهیونیست‌ها، آن‌چرامی یافتند و می‌آموذند، به سرزمین‌های اشغالی می‌فرستادند تا بر اساس آن، مدرن‌ترین موشک‌های باالستیک کوتاه‌برد ساخته و در آغاهه نظامی جنوب فلسطین اشغالی، انبار شود. به این ترتیب، پروژه «شکوفه»، با صرف یک بیستم بودجه سالانه کشور، آورده‌ای برای ارتش ایران نداشت، اما صهیونیست‌ها به شدت از آن سود کردند. هم‌زمان با اوج گرفتن انقلاب اسلامی در ایران، صهیونیست‌ها که شرایط را برای ادامه فعالیت مناسب نمی‌دیدند، به تدریج تصور مقامات عالی‌رتبه صهیونیست‌ها را در دست می‌گرفت و با وجود اینکه رژیم صهیونیست با فقط باید کارشناسان شان را به ایران می‌آوردند و در جایی نزدیک سیرجان که برای این منظور در نظر گرفته شده بود، درایند تحقیقات مربوط به ساخت موشک را دنبال می‌کردند. آن‌ها حق داشتند در منطقه مذکور، آزمایش‌های موشکی انجام دهند و ظاهر اینکه دوباره هم آزمایش را انجام دادند که اعلام شد موفقیت‌آمیز نبود؛ است! اما این پروژه، یک روی دیگر هم داشت. اصلاً قرار نبود فناوری پیشرفته‌ای در اختیار ایران قرار بگیرد؛ آن‌چه به نام فناوری پیشرفته عرضه می‌شد و شاه را غرور کاذب مبتلا می‌کرد، در واقع فناوری‌های از رده خارج می‌بود که مراکز تحقیقات نظامی پیشرفته موشکی در سراسر دنیا، آن را کنار گذاشته بودند. در عوض، صهیونیست‌ها، آن‌چرامی یافتند و می‌آموذند، به سرزمین‌های اشغالی می‌فرستادند تا بر اساس آن، مدرن‌ترین موشک‌های باالستیک کوتاه‌برد ساخته و در آغاهه نظامی جنوب فلسطین اشغالی، انبار شود. به این ترتیب، پروژه «شکوفه»، با صرف یک بیستم بودجه سالانه کشور، آورده‌ای برای ارتش ایران نداشت، اما صهیونیست‌ها به شدت از آن سود کردند. هم‌زمان با اوج گرفتن انقلاب اسلامی در ایران، صهیونیست‌ها که شرایط را برای ادامه فعالیت مناسب نمی‌دیدند، به تدریج تصور مقامات عالی‌رتبه صهیونیست‌ها را در دست می‌گرفت و با وجود اینکه رژیم صهیونیست با فقط باید کارشناسان شان را به ایران می‌آوردند و در جایی نزدیک سیرجان که برای این منظور در نظر گرفته شده بود، درایند تحقیقات مربوط به ساخت موشک را دنبال می‌کردند. آن‌ها حق داشتند در منطقه مذکور، آزمایش‌های موشکی انجام دهند و ظاهر اینکه دوباره هم آزمایش را انجام دادند که اعلام شد موفقیت‌آمیز نبود؛ است! اما این پروژه، یک روی